



امروز با مولانا

هر ذره که در هوا و در هامونست نیکو نگرش که همچو ما مجنونست سرگشته خورشید خوش بیچونست





فقرادرمعرض خطربيشتري هستند

سمیسات صورت مرفعه سسان هی مصدر مجموع ۱۳۰۸ میلیسون مسورد مر⁸ اتفاق آق قاوق در سسال ۱۳۰۸ سسهم بیماری های قلبی _ عوقی حدود ۱۳۰۰ مرصد بوده که ۲۶ در صداز این مرگها در افراد زیر ۷۰ سال رخ داده است. مدیر گروه آموزش و

پژوهش نسخه بزرگ با هشدار درباره افزایش روز پرر تی کرر ا افزون بیماریهای قلبی – عروقی و کاهش سب بروز سبکتههای قلبی – مغزی در کشور با توجه به رور تغییر الگوی زندگی مردم خاطرنشان کرد: شیوع بیماریهای قلبی – عروقی بــه خصوص بیماری قلبی- کرونری، به شدت در چین، هند، پاکستان . یی راز رکی . و خاورمیانــه و از جملــه ایــران در حــال افزایش است.مطابق آمار اعلام شــده میزان مرگ ناشی از بیماری های قلبی - عروقی در کشورهای استقلال یافته شوروی سابق بیشترین و در ایالات متحده و اروپای غربی متوسط و در ژاپن کمترین میزان

تحقيقات صورت گرفته نشان مي دهداز مجموع به ثروتمندان در معرض خطــر بالاتر حمله قلبی قرار دارند. حال آن که فقیران دسترســی کمتری





دارد، اما وقتی که انسان اختیار

__رعت , ا به دســت ماشــ میسُپارد، دیگر جســم وی از ازی بیسرون می افتد. خود را به

غیرمادی میسیارد. سرعت

جذبه. چُـه ترکیـب غریبی

ست غیر شــخصی بودن سرد

است میراست صفی بوس سرد تکنولـــوژی و آتش جذبـــه از سیســـال پیش ِزنی آمریکایی

را به خاطــر می آورم کــه انگار کارگــزار اروتیســم بــود و بــا

شبوهای حدی و متعهدانه (و در

برشیاز رمان«آهستگی»

شاتر

عین حال صرفا نظری) برایم درباره آزادی جنسی

سخنرانی می کرد. کلمهای که او در توضیحاتش به کار می برده کلمه از گاسیم بود. من شمر دم، چهل بار شد. کیش از گاسی سیودگرایی آسان طلبانه

در زندگــی جنســی. کارآ یی به جاّی تن آســانی لذت بخش. تنزل عشق بازی تا حد مانعی که باید

در کوتاه ترین زمان ممکن از آن عبور کرد تاانفجار

جذبه، که تنها هدف عشــق و حیات است م شود.چرالذت آهستگی از میان رفته است؟

برعت، سبرعت

به ُ خُدمُات بهداشتی داشتَه و عواملُ خطر ساز ایُن بیماریها در آنها در زمان مناســب تشخیص داده

نشدهودر نتيجه درمان موثرى دريافت نمى كنند



آهستگي

میلان کوندرا

بگوییم: مردی که پشت موتورسیکلت قوز کرده،

فقُــُطُ مي توانــد هُــُوشُ و حواسـش را روی ایـن لحظه پـرواز متمرکز کند. او خود را به برشـــی از زمان آویخته که هم از گذشــته و هــم از آينده جداســت ر او از چنگ اســتمرار زمان ئريخته بيرون زمان مانا به عبارت دیگر در حالت جذبه قرار گرفته. در چنان وضعی او دیگر جیزی دریار ه

وصعی و دید و پیری درباره سن خود، همسـرش، بچههایش و نگرانی هایش نمی داند و در نتیجه ترسی هم ندارد. چرا که ترس ریشه در آینده دارد و کسی که از آینده رها است، (زمنیستازچیزی بترسد سرعتشکلی از جذبه است که انقلاب فنی برای

بشر به ارمغان آورده. برخلاف موتورسیکلتسوار، یک دونده همــواره در بدن خود حضــور دارد. او بايدمواظــب تاولُهاو تَنگَى نفُس خودباُشــُداو حین دویدن، وزن و سن خـودرا به یــاد دارد و بیش از هرموقع دیگر بر خود و زمان خود آگاهی



(سعدي)

مطرحشود،میزان کاربردی بودن چنین بحث های

در فضای کنونی جامعه ایران است. در پاسخ به این

ر سوال باید فضای اجتماعی کنونی را در نظر بگیریم. در همیشـه تاریخ، احـکام اخلاقی صادر شــده از

وشنفکران، اندیشمندان، اولیای معنوی و حتے

رر پیغمبران تنها به نیت «مسموع افتادن» از سوی قوم نیست. لزوما هم به آن معنا که همه افراد موظفند

اين پندهار اُبُشنوندوبه آنهاعمل کنند،نُخِواهُدبود.

این پندهار راشتوندوره ایهاعمل تنند، محواهدبود. درواقع مطرحشدن چنین بحثهایی به آن منظور است که برخی از مردم آنها را بشنوند و عمل کنند و برخی دیگر با وجود شنیدن پیامهابه آنها عمل نکنند. امروز جمعیت کرهزمین ۷میلیارد نفر است

وممکن است از میان این جمعیت انبوه، تنها عُدهای قلیل به این آموزها عمل کنند اما برای شاعران و

اولیا همین تعداد هم کفایت می کند. آنچه اهم

ر دارد، برقراری نوعی تعادل اجتماعی درمیان اهالی

مره برطروی و می عدان "سته می طرایس این قوم است، بنابراین اگر قرار باشد همه افراد جامعه قواتین را زیر پایگذار ند، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود، از سـوی دیگر اگر بناباشد همه مردم به

- یی ر کر کر در است. قوانین موجود عمل کنند، زندگی از عنصری به نام لطافت بی بهره خواهد شد. درواقع آدمها تبدیل به

روباتهایی مُیشوند که از خودٌقوه اختیار وارادهای ندارند. من اســـم این روباتها را روباتهای اخلاقی

گذاشتهام در شرایطی که عدمای آموزههای اخلاقی

رابشـنوند وُ عدّه ای دیگر بی توجه از کنار آنها عبور کنند، بالانسی زیبا در زندگی ما ایجاد خواهد کرد.

هم زندگی از رونق نمی افتد و هم مشکلات بزرگ

و دردناکی برای زیستن ایجاد نمی شود. بنابراین در چنین شرایطی است که زندگی انسان ها بین

دفتر وديوان

و «خاوری،ها بهوجود می آیند. اینها همان گروههای

خُودی هستند. باید درنظر داشته باشیم روشنفکری که بهقدرت وصل می شود، دیگر روشنفکر نیست، کار

ر گروهی که هجمه می کنند، حتما از طرف حاکمیت نقویت می شوند. اما نکته در «کجفهمی» بداندیشانی

ریت که تاآن کدبهاین گروههاقدرت و توان می دهند و جامعه را دچار انشقاق خودی و غیرخودی می کند. فرض کنید پدر خانواده، فرزندانسش را به خوب و بد

نقسیم کند. این پدر هیچوقت به نتایج مناسبی دست پیدا نخواهد کرد. در طول تاریخ این لطمه ها از درون

... گروه خودی به نظام سیاسی ما وارد شدهاند و با توجه به شــرایطی که در آن قرار داریم،این لطمهها باز هم

امتياز ورشوه نيستند دغدغه طبقه روشنفكر، مردم

ومسائل موجوددرزندگی آنهاست. در چنین شرایطی سپردن قدرت بی حساب و کتاب به گروههای سرخود اشتباهی فاحش است.

تــرار دارد، توان و قدرت ضربــهزدن را ندارد.خص که طبقه روشــنفکر به دنبال گرفتن پســت، م

روشنفكر نقدكر دن است.

آن شنیدستی که در اقصای غور بار سالاري بيفتاداز ستور

نوسان اجتماعي

یاقناعت پر کند یا خاک گور گفت چشم تنگ دنیا دوست را

قدمعلی سرامی

ر رویین مستن پرتدان پرسی مستن عرصه، به تعاد به مجموعه آثار سعدی متوجه می شویم توانایی او تا آن حـد بوده که در مجموعـه آثارش حتی در یک یا دو بیت کوتاه هم داســتان پردازی کند. پیام ے۔ یہ سو بیت سوت معم تحسب ن پرداری صد پیام اصلی دو بیت بالا در بیست دوم به خواتنده منتقل میشــود. شــاعر در ابتدا حکایتی که در غور (بین افغانســـــَّان و پاکســـتان امروزی واقع است) اتفاق افتاده را مطرح می کند. بار سالار پس از آن که روی زمین افتاد و پیش از فرارسیدن کعظه مرگ گفت: آدم دنیادوست، دو انتخاب بیشتر ندارد، یا باید قید دنیاداری و جمع کردن پول و گرداُوری دولت را بزند یا باید همیشه چشم به راه باشد تا افزون طلبی در یکی از لحظه های عمر، او را از ستور زندگی به ری کی در پایین بکشد و جانش را بستاند مراد سعدی از بیان این دو بیت آن است که: دنیاداری و دنیادوستی، گردآوری سرمایه و تعلق خاطر به جمع آوری مال، نتیجهٔای جز تلفشدن در همینِ راه ندارد سعدی به فرد دنیادار می گوید: ای مرد آنچه با این میزان از حرص به دنبالش هستی، قاتل تو خواهد بود. کسی که به دنبال کسب ثروت می رود با قدم گذاشتن در این راه، درواقع به دنبال عزراییل خواهد رفت. گویی یی راها مورده این کار چشــم به راه مرگ بودنش فراموش کرده با این کار چشــم به راه مرگ بودنش رانشــان می دهد. ســوالی که ممکن است در مورد

(19) پیش از این برخی از نویسندگان ایرانی ازجمله آقای دکتر محمدعنایت، سعدی را بهعنوان یکی از اولین داستان پردازان ایرانی مطرح کردند. با نگاه

جامعه خوب،افراد خوب

دولتمردان فرانســه چــون «لوییشــانزدهم» با این

موسور موسور سه په بودن چری سطور سهار به بین انقالاب همراهی کردند (لویی شانزدهم هیچ اقدامی در جهت سسر کوب مردم انجام نداد). این روشنفکر است که دغدغه جامعه را بر ملامی کنند، اگر دولتها

هوشیار باشندراه حل برطرف کردن دغدغه هارا پیدامی کنند آنها در رأس هرم قرار دارند بنابراین

ی توانند فرهنگ و هُویت آزادســازی اندیشــه را عنوان قطرمهای ارزشــمند به قاعــده هرم منتقل

کنند در صورت برقراری این شــرایط، هم فر د و هم

. کرد. تا اندیشه آزاد نشود، هیچچیزی ساخته نخواهد

مد ما نیز بدون میسر کردن آزادی اندیشه در جهت تأمین امنیت و صلح اجتماعی، نمی توانیم جامعه ای مطلوب بسازیم، نظامهای سیاسی که جامعه را به دو

بخشخودیوغیرخودی تقسیم کردهاند(نمونههای

بارز آنها را در قرن بیستم و بیستویکم دیدهایم) همگی با فسرر و زیان مواجه شدهاند آنها در نهایت ناچار شدند با گروههای خودی هم گلاویز شوند. این

نظامُها، بیشترینُ لطمات را از درون جمّعیت خودی خوردهاند از درون همان خودیها «بابک زنجانی»ها

دار د. به خاطر ضعف فراوان امکانات، ما نتوانسته ایم در این مقوله پیشرفت چندانی را شاهد باُشیم. این ماجرا تاثیــرات مهمی روی ورزش کشــور و نظام

و; های مرا به خود مشخول کرده است. بنابراین درُحــال نامهنگارُی بــا مراجع مُربوطه هســ بتُوانِم امكانات لازم را فراهم كنم. بُا اين وجود و بنابر حساسیتهای سیاسی که در این بحث وجود دارد مراکز ذیصلاح همراهی شان با ما را به حداقل اندهاند بنابراین فعلا در این حوزه حسـاس كَارى از پيــش نبردهايــم. درنهايـــت مىخواهم نقص هـای فراوانی کـه در کار من و فدراس تحت مدیریتم وجود دارد را بپذیرم اما می خواهم این قول را به همه مردم ایران بدهم که تمام تلاش

ورز شکاران شیان با مشیکلات فراوانی مواجهاند. ورزشدارانستان با مشتخارت فروانی مواجهاند. قضیه از این قرار است که باشتگاههای کشور در سیستم اصلی بارانهای کشور نامزوسی می کنند و درصد هستند از این طریق از امکانات بیمهای ورزشکاران استفاده کنند.

ر یا ریار در این امکان را نصیب خود کنند. با سـختی بتوانند این امکان را نصیب خود کنند. با این وجود درحال حاضر به وضعی رســیدهایم که شولان باشگاهها بتوانند از محل کارشان و با ک شــماره ملی کار را تا پایان انجام دهند و وضع بیمهای ورز شکاران شُیان مشیخص شیود وسی بیده ی ورزرد دران سان می شود از عملکرد موضوع مهم دیگری که باعث می شود از عملکرد فدراسیون تحت ریاستم انتقاد کنم مربوط به



ورزشداران|سنفاده فتند. این درحالی است که مراحــل تکمیل این کار به شـــدت طاقت فرســا بود و ناهمگونی بســـیار وســـیع موجود این عرصه باعث شــد باشگاهها به

سلامتورزشکاران می گذارد. قضیه تا آن حد بغرنج است که فکر و ذکر این جموعه ما به سمتی است که بتواند مشکلات را به تداقل پر ساند.



مقوله پر سرو صدای «دوپینگ»است. گرفتن تست دوپینگ در ایران مشکلات فراوانی



امكان حركتمابه سمت يكجامعه آزادميسر

صر می در رأس آن در این بین بامثلی مواجه هستیم کـه در رأس آن دولت و در قاعده آن فر دو جامعه حضور دارند بنابراین آنچه دولت می اندیشد و عمل می کند روی هرم تأثیر

می گذاردو به دست فرد و جامعه می رسد دغدغه تمام کسانی که جامعه را می فهمند و در دهای جامعه

را می دانند، نارسایی های اجتماعی و دُر تنگنا بودن اندیشه فرد است. بنابراین تا زمانی که پندارها از دور و

براندیشهفردرهانشود،فردنمی توانداندیشه ساز باشد.

بر سیست طرعر مستون برای می داده بیشت می این می داد. در این شرایط نیاز منداندیشه ای هستیم که از یک سو ساختار ساز و از سوی دیگر ساختار شکن باشد. تلاش

برای رسیدن به چنین نقطهٔ ای به عهده طبقه روشنفکر است. تلاش این طبقه باید به نحوی باشد که دولت را

مجاب کند، دست از برخی پندارسازی هابرای جامعه بردارد. این پندارها هر روز که می گذرد با سنت هایی

که گاهـــی در جامعــه مقــدس قلمداد می شــوند

غُربُ هُم افرادی چون «منتســکیو» و «ژانژاکرو» نبودند، انقلاب فرانســه اتفاق نمی افتاد. جالب آر

نقصهايمان رامي يذيريم



به نظر می رسد این گفته که اجامعه خوب، فرد خوب می سازد گفتهای بسیار دقیق و منطقی است حال آن که در برخی نظامات سیاسی - اجتماعی مثل نظامهای لیبر الیستی قضیه کاملا برعکس است. در آن نظامها اصل بر تأمین رضایت فرد است چراکه

ن سابت سی بر تنبین رسیب برت سبت پرت آنها معتقدند در صورت تأمین رضایت افراد، رضایت جامعه هم تأمین خواهدشد.

به عقیده من آما، ما باید مثلث دولت، جامعه و فرد

را در نظر بگیریم چراکه این سه ضلع با یکدیگر ارتباط

سازمانی و فکری دارند. در درجه اول این دولت است

که باید جامعهای مطلوب بسازد تا فرد بتواند در آن جامعه رشد مطلوب را تجربه کند. به قول ارسطو؛

. دولت خوب، ملــت خوب می ســازد. دغدغه من هم بهعنوان یک دانشگاهی آن است که دولت مامتاسفانه

توانسته بهبود روابط بين اين سه ضلع را به سرمنزل رد. نند. تا زمانی که این رابطه تأمین نشود،

با توجه به این که فدراسیون پزشکی ورزشی یران ســازمانی بزرگ و وسیع است و حجم کارها ت ارتکاب به اشتباه به امری غیرقابل بسیار باد سبب ر ـ ـ ـ ب انکار تبدیل شده اسبت. حوزه دوپینگ و سلامت از جمله بخشهایی است که با وجود تلاشهای انجام گرفته هنوز که هنوز است دارای خلاهاو اشکالاتُ فراوانی اسُت. لازم است در ابتدا اعلام کنم به واسطه نقصهای

موجُّود، به کاری که ما انجــام میدهیم نقدهایی وارد است. اما اگـر بنا باشــد بزر گتریــن انتقاد متوجه مدیریتم و ســازمانی که در آن مشغول به فعالیت هستم را مطرح کنم روی بیمه ورزشیی دست می گذارم.

، به ای که در حوزه بیمه و نظام سلامت رر ورزشـکاران وجود دارد، مصوبهای پر ایراد اسـت که در حــوزه اجــرا هم بــا مشــکلات عدیدهای

. به صحب این مصوبه به گونهای طراحی شــده که با وجود آن که روی کاغذ یک سال را پوشش می دهد در حقیقت چنان خاصیتی ندارد. برای روشن تر شدن موضوع باید مثالی بیاورم، اگر شــما بهعنوان یک ورزشکار قصد استفاده از این بیمه را داشته باشید و در دی مامسال جاری برای استفاده از این امکان ر ر کی کنیدبیمه شما در اسفندماه همین سال نامنویسی کنیدبیمه شما در اسفندماه همین سال به اتمام خواهد ر سید. البته در حال حاضر مشغول بررســـی این موضوع هســـتیم و امیدواریم هر چه زود تر مسأله مطروحه حل شود.

رودنو هسته معطور حص سود. ایراد دیگری که به فدراسیون پزشکی ورزشی وارد است مقولهای است که سیستم یارانهای کل کشور باعث آن است. باشگاهها برای بیمه کردن

ابانگ گردش های چرخ است این که خلق

٬ میسرایندش به تنبور و به حلق، کشور باستانی ایران از قدیم مهد تمدن، فرهنگ

سور بستایی پرون رو سیم بهها دهش فرصت. علم و هنر بوده و زبان ادبیات فرهشگا ایرانی و اسلامی دریایی سرشل از مروایدهای ارزشمندی است که بعضی از آنها چون خورشید نمایان شده و کام مشتاقان را شیرین کرده است. شکی نیست که موسیقی فاخر ما نیسز در زندگیی اجتماعی و

فرهنگی، عهدهدار نقشی برجسته در این زمینه بوده است. من نیز مثل بسیاری از بانوان هنرمند فعال در عرصه موسیقی با درک ضرورت در حفظ

واشاعه آثار ومیراث گرانبهای موسیقی کشورمان و

آوا پازوکی





با توجه به اهمیت و ارزش آن در این راه و با استفاده از کلام بزرگانی چون حافظ، سعدی و مولانا که به شــمار می آید. در این شرایط سوال این است که چرا باید فعالیتهای هنری مشروع زنان به ناامیدی پر . . . و یــأس بینجامد و امکاناتی که بــرای آقایان فراهم است، برای بانوان فراهم نباشد. به ارزشهای خود پایبند بوده و با سلطه فرهنگی بیگانه مبارزه می کنند، آنها هدف نگرند و صداقت

که زنان برای ورود به برخی از رشتهها مردان مشکلات بیشــــتری دارند و مطالعات نشان میدهد که تمایــل زنان بــرای ورود به عرصههای مختلف و کسب موفقیت در این زمینه ها با مشکل همراه و برُ شرایط اجَتماعی اَنها تاثیر گذار بوده است. گاهی همچنین بر داشت شــده که موقعیت شغلی زنان و موفقیت آنها، تجاوزی بر عرصه برتری مردان

. پندهــای اخلاقی ســعُدی وافرادی از این ده

رای رای از ۱۰ با ۲۰ و است در عصر از تباطات و توسعه فناوری های مربوط به ایس عرصه، نمی تــوان از دستُیایی مردم به برُخی از انواع موسیقی، جلوگیری کرد. در این صورت اگر تولیدات والا و کمال گرابرای

مصرف عموم مردم، عرضه نشود، هیچ بعیا موسيقى اى ازنوع ديگر (وحتى مبتذل) در دسترس أنهاقرار گيرد. ر "ر ئىبختانەدر سالھاىاخىر شرايط بھترى براى بانوان هنرمند فراهم شده ومسئولان با درک درجه

. اهمیت اشاعه هنر والای موسیقی اصیل و تفاوت ابتذال با میراث گذشتگان مان، زمینه مساعدتری را برای تولیدات اصیل، ایجاد کر دهاند. دُلسُردیُ بانوان هنرمند شده است، برداشته شود تا

باایجُاد فضایی بهتر ایسن گروه از هنر مندان بتوانند . نه البیتهای هنری خبود در جهت کمال خود و جامعه ادامه دهند. به قول عارف قزوینی: آن کس که زشهر آشنایی ست داند كه مطاع من كجايي ست







تبعيض باعث دلسردي بانوان مي شود

ر براکزر سبب هدایت بشر شدهاند به رسالتم در جهت شکل گیری خمیرمایه شخصیت هنری علاقه مندان به رشته موسیقی مشغول شدهام. متاسفانه گاهی . به دلیل شرایط حاکم، در بحث همنوایی تسلیمی با فشارهای اجتماعی که با ارزشهای شخصی انسان در تعارض و تضاد هستند، روبه رو می شوم. غافل از این که عموما کسانی که از ابتذال و مد دورند و به هنری ارز شمند مشغولند، شکوفا جویانی هستند که

غيراز هنركه تاج سر أفرينشاس دوراُنُ هیچُ منزلتی پایداُر نیست اما از حیث تاریخی نیازی نیست که بگوییم زنان